

سوره فتح، مدنی است و در سال ششم هجری، در بازگشت پیامبر اعظم «ص» از صلح حدیبیه و شبانه بر حضرت رسول نازل شد. پیامبر در عظمت این سوره فرمود: در این شب سوره‌ای بر من نازل شد که نزد من از همه چیزهایی که خورشید بر آن‌ها می‌تابد، دوست‌داشتنی‌تر است.

در روایتی از پیامبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله» نقل شده که هرکس سوره فتح را بخواند، گویا با آن حضرت در فتح مکه شرکت کرده و در روایتی دیگر، گویا زیر درختی که صلح‌نامه در آنجا نوشته شده، با پیامبر بیعت کرده است. خداوند در عالم رؤیا به پیامبر بشارت داده بود که به خواست خدا، همراه مسلمانان، پیروزمندانه که با خطری آسوده و با امنیت کامل به مسجدالحرام وارد می‌شوند و بر اساس مناسک مربوط، سراهی خود را می‌تراشند و مو و ناخن خود را کوتاه می‌کنند. همچنین به پیروزی نزدیک دیگری (فتح خیبر) نیز مژده داد. حضرت خواب خود را برای مسلمانان نقل کرد. سپس در ذی‌قعدة، با گروهی از آنان به قصد عمره مفرده در میقات «ذوالخليفة» مُحرم و با قربانی‌های بسیار و سلاح مسافر (و نه جنگی) از مدینه به سوی مکه رهسپار شدند تا در حدیبیه در محدوده کُشهر مکه رسیدند، ولی مشرکان از ورود آنان به مکه جلوگیری کردند. پس از مذاکراتی و آمودشد نمایندگان دو گروه، پیمان صلح حدیبیه امضا و پنا شد مسلمانان آن سال به مدینه برگردان و درست یک سال بعد برای ادای عمره قضا به مکه بیایند.

صلح حدیبیه از آن جهت مهم است که سرآغاز فتح مکه و پیروزی‌های مهم پس از آن بوده است، علاوه بر آنکه تا آن روز مشرکان تنها به نابودی مسلمان می‌اندیشیدند و برای آنان جایگاهی قائل نبودند، اما با پذیرش صلح، در حقیقت مسلمانان را پذیرفتند، که این پیروزی بزرگی در صحنه سیاسی-اجتماعی بود. (قرآنتی)

مسلمانان از حوادث پیش‌آمده در حدیبیه ناراحت بودند و آن را پیروزی نمی‌دانستند و این سوره در چنین فضایی نازل شد تا یادآور نکات مهمی باشد درم‌مدینه را آماده، مستقیم، متحد، مصمم و کارآمد کند تا پس از عمره قضا در سال بعد، به فتح بزرگ مکه برسند و شایستگی نزول سوره «اذا جاء نصرالله و الفتح» را پیدا کنند و در حقیقت، از «فتح مبین» (ورود ازانانه و امن به مکه برای عمره سال بعد) و «فتح قریب» (فتح خیبر) به فتح مطلق و پیروزی نهایی اسلام بر سراسر حجاز در آینده برسند.

در سوره فتح، خداوند تصریح می‌کند که دست خدا بالای همه دست‌هاست و بیعت‌کنندگان با پیامبر را می‌ستاید و این دست‌دادن و بیعت را بیعت و پیمان با خداوند توصیف می‌کند، چرا که دست پیامبر هم دست خداست.

«فتح» برای پیروزی‌هایی به کار می‌رود که سپاهیان به منطقه و سرزمینی که در دست دشمن است وارد شوند، همان‌طور که در فارسی «گشودن» و «گشایش» گفته می‌شود و برای پیروزی‌های دفاعی یا بدون ورود، «نصر» و «ظفر» گفته می‌شود و البته می‌تواند یکی مقدمه دیگری باشد: «و آخری تحوّنوها نصر من الله و فتح قریب.» بیرون رفتن پیامبر اکرم و مؤمنان از مدینه که س‌وی مکه با هدف برگزاری عمره، کار بسیار خطرناک بود تا جایی که آنان که حاضر نشدند با پیامبر عازم شوند، می‌پنداشتند آن حضرت و همراهان هرگز به سوی کسان خود باز نخواهند گشت: «هل ظننتم ان یقلب الرسول و المؤمنون الی اهلیمه ایما» زیرا سران مشرکان داغ‌دیده و شکست‌خورده نبردهای بدر، احد و احزاب، با پیروانی بسیار و نیرومند در داخل خانه‌های خود آماده نبرد با مسلمانان اندک (۱۴۰۰ نفر) بودند.

تصورات منافقان و سرباززندگان آن مهربانی پیامبر کاملاً اشتباه از آب درآمد، چرا که خداوند سبحان کار را به سود مؤمنان و به زیان مشرکان تغییر داد، به‌گونه‌ای که با پیشینهاد مشرکان، پیمان صلح دس‌اله میان دو طرف برقرار شد و از بندهای

شسبیه: چگونه دیدن زنان بی‌حجاب در فیلم‌های خارجی اشکال ندارد، ولی دیدن زنان بی‌حجاب در خیابان‌های ایران مشکل دارد؟

پاسخ: حجاب زن یا نگاه مرد به زن، از جمله موضوعاتی است که در چند سال اخیر، سوالات و شبهات فراوانی را به خود اختصاص داده است. یکی از سوالات از این قرار است که اگر دیدن زنان بی‌حجاب در خیابان‌های کشور مشکل‌ساز است، چرا تلویزیون هر شب زنان بی‌حجاب را در قالب فیلم‌ها و سریال‌های خارجی به مردم نشان می‌دهد؟ چطور ممکن است یکی مشکل‌زا و دیگری فاقد اشکال باشد؟ در ادامه به این پرسش بیشتر خواهیم پرداخت:

حرمت نگاه با لذت به نامحرم
اسلام به مردان و زنان دستور داده است که عفت پیشه کرده و چشم خود را از دیدن برخی چیزها محافظت کنند: **قُلْ لِلْمُؤْمِنِینَ یُحْضَرُوا مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ یُخْفَلُوا وَرُجُلُهُمْ**؛ «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه به نامحرم) فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند. ^(۱) بر این اساس و نیز ادله متعددی که در قرآن و روایات وجود دارد، فقهای مسلمان حکم به وجوب پوشش و حجاب کرده‌اند و هر نگاهی که همراه با لذت جنسی نامشروع باشد را حرام اعلام کرده‌اند. در حرمت این‌گونه نگاه، تفاوتی میان نگاه به زنی که به‌صورت حضوری در خیابان یا مکان دیگر می‌بینیم و نیز زنی که در فلان فیلم سینمایی می‌بینیم، نیست؛ یعنی هرگونه نگاه به زنی که بی‌حجاب در خیابان‌ها حرام و

اشاره:
از آغاز جنگ ۱۲ روزه، رهبر شهید انقلاب و بعد از شهادت ایشان، بسیاری از علما و بزرگان توصیه اکید کردند تا مؤمنان بر خواندن سوره مبارک فتح مداومت و اصرار داشته باشند. این اتفاق هر روز و هر شب در اکثر مساجد و تجمعات مردم انقلابی و حاضر در صحنه کشورمان می‌افتد. اما این سوره شریفه بر از مضامین و معارف عمیق مکتبی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و راهبردی

قرارداد این بود که پیامبر اکرم و مسلمانان آن سال به مدینه برگردند و سال آینده برای عمره قضا به مکه بیایند و قریشیان، مسجدالحرام و کعبه را سه روز در اختیارشان قرار دهند. چند ماه بعد، در سال هفتم هجری، خیبر و نواحی پیرامون آن (فدک) نیز فتح شد و شمار مسلمانان افزایش یافت و در سال هشتم هجری، پیامبر اکرم با لشکری دهم‌ازده‌هزارنفری برای فتح مکه حرکت کرد و پیروزی بزرگ و مطلق به دست آمد که حجاز و جزیره‌العرب امن شد و همه دشمنان اسلام، اسلحه بر زمین گذاشتند و مردم دسته‌دسته به دین خدا درآمدند: «و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا».

تأکید ویژه «و لله جنود السماوات والارض» که در این سوره دو بار تکرار شده و با پیوست «علیم» و «حکیم» و «عزیز» بودن خداوند امده، برای تقویت ایمان و توکل مؤمنان بر علم و حکمت و نفوذناپذیری خداوند قادر است تا مطمئن شوند همه هستی و آسمان‌ها و زمین و دریا و باد و...

به‌عنوان سربازان و سپاه و ستاد خداوند در پیروزی

نقش‌آفرینند و پیامبر اکرم را یاری می‌کنند و البته تعدیی باشد برای مشرکان و منافقانی که خداوند در این سوره خوابی حاششان را گرفته است.

در این سوره، خداوند تصریح می‌کند که دست خدا بالای همه دست‌هاست و بیعت‌کنندگان با پیامبر را می‌ستاید و این دست‌دادن و بیعت را پیمان با خداوند توصیف می‌کند، چرا که دست پیامبر هم دست خداست. از سوی دیگر، بیعت‌کنندگان با پیامبر اکرم باید همواره برای دفاع آماده باشند و عهدشکنی نکنند. پیمان‌شکنی هم به دو صورت است: ۱- کسانی که در مدینه عهد مسلمانی را شکستند و آن حضرت را در حدیبیه همراهی نکردند، ۲- مسلمانانی که در حدیبیه با پیامبر بیعت کردند و سپس بیعت خود را نقض کردند.

خداوند در مقام ارزش‌بخشیدن به وفای به عهد، آن را خردمندی و پیمان‌شکنی را تهی‌مغزی می‌داند: «انما یتذکر اولوالالباب» الدین یوفون بعدالله و لا ینقضون المیثاق.»

خداوند سبحان چهار ثمر و فضیلت را در پرتو این فتح مبین برای پیامبر اکرم کرد: ۱- بخشش گناهان پیشین و پسین آن حضرت: «لیغفر لک الله ما تقدّم من ذنبک و ما تأخر» ۲- اتمام نعمت خود بر ایشان: «و ینتّم نعمتک علیک» ۳- هدایت و ثبات قدم آن حضرت بر راه راست: «و یمدیک صراطاً مستقیماً» ۴- یاری‌رساندن به ایشان با پیروزی کم‌ظنیر، قوی و شکست‌ناپذیر: «و ینضّرك الله نصراً عزیزاً».

«ذنب» در این آیه، گناه مصطلح فقهی و کلامی، یعنی نافرمانی خدا نیست، زیرا اولاً گناهی در میان نبود، ثانیاً چنین گناهی با توبه و استغفار بنده پاک می‌شود، نه با پیروزی آشکارا ثالثاً طبق پسه خدای یگانه، همه ۳۶۰ تن آن‌ها را محکوم و باطل کرد. اما آن حضرت پس از فتح مکه، با تکیه بر در کعبه، به مکیان خطاب فرمود من مانند برادرم یوسف «ع» می‌گویم امروز بر شما سرزنی نیست؛ خدا شما را می‌امزد و او مهربان‌ترین مهربانان است. مشرکان با مقایسه این رفتار با ستم‌پیشگی خویش نسبت به آن حضرت و مسلمانان، دریافتند که حق با ایشان بوده و بدین‌ترتیب سرشده و وامدار او شدند و خدا گناهان پنداری کهنه و نو آن حضرت را با این فتح مبین بخشود. گریچه قیام و اقدام ایشان نزد خدا (و نه مشرکان) اساساً گناهی نبود؛ بلکه از بهترین اقسام اطاعت بود.

کلمه «ذنب» به معنای دنباله و آثار و پیامدهای هر چیز است. شکی نیست که هر

معارف MaarefKayhan@Kayhan.ir

فراوانی است و به‌طور شگفت‌آوری با مسائل روز کشور ما و نبردهای امروز مطابقت دارد، گویی این سوره برای همین امروز ما نازل شده است. به همین دلیل، با مراجعه به تفهیم‌گران سنگ «تسنیم» اثر فقیه فرهیخته حضرت آیت‌الله جوادی آملی که در جلد ۷۳ آن بیش از ۲۲۰ صفحه را به تفسیر و تحلیل این سوره مبارک پرداخته است و نیز تفسیر یک‌جلدی عالم فاضل، معلم بزرگ قرآن، حضرت استاد محسن قرآنتی، نکات نفز و



بهره‌هایی از سوره فتح برای همین امروز

خداوند در سال دوم هجری که قبله تغییر کرد و سال ششم که صلح حدیبیه به وقوع پیوست و سال هشتم که مکه فتح شد، وعده تمام کردن نعمت را در آینده داد و فرمود: «يَنْتَهِ نِعْمَتُهُ» اما آن وعده‌ها را در حجاز!وداع جامه عمل پوشاند و با نصب حضرت علی «ع» به امامت، نعمت را تمام کرد و فرمود: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی.»

آسمان‌ها و زمین، سربازان خدایند: «لله جنود السماوات والارض». پس آنچه در دل‌های مؤمنان و نیز منافقان و مشرکان برای آراش‌بخشی یا عذاب و گرفتارسازی می‌گردن نیز سپاه و لشکر الهی است. بر این اساس، صلح حدیبیه با همکاری همه هستی رخ داد و در پی آن، مکه فتح شد و خدا مسلمانان اندک را پیروز و مشرکان به‌ظاهر نیرومند مکه را خوار کرد. فرشتگان آراش را در دل‌های مؤمنان به جای دادند و گرنه چنین پیروزی‌ای تنها از راه نظامی رخ نمی‌داد و این بر اساس علم و حکمت خداست: «و کان الله علیماً حکیماً»

از دیگر برکات و نتایج فتح، آن است که خدا مردان و زنان مؤمن را جودانه به بهشت‌هایی درمی‌آورد که زیر آن‌ها جوی‌های روان است. (تَیْلُودِ الهی المؤمنین و المؤمنات حَظَّانِ تجری من تحتها الانهار

خالدین فیها». در این آیه بر زنان هم تأکید شده است تا تصور نشود که وارد شدن به بهشت و پاک شدن از گناهان پس از فتح، ویژه مردان جنگ است؛ زیرا همگی با فکر و جان و مال و مهران جنگ می‌ماند، ۲- به رسیدگی به خانواده سرگرم بودند و اگر می‌آمدند، زن و فرزندانشان بی‌سرپرست می‌ماندند و رهاکردنشان در مدینه نشدنی بود و با مقصر خواندن ظاهری خویش، از آن حضرت می‌خواهند برای آن‌ها از خدا آموزش بخواهد، اما خدای آگاه، ضمن تبیین رفتار و گفتار سرباززندگان بادیه‌نشین، می‌فرماید آن‌ها حتی در عزت‌رانی و درخواست آموزش نیز دروغ می‌گویند!

نشده‌اند و با صراحت از زنان منافق هم یاد شده است. همچنین خدا مردان و زنان مشرکی که در نقطه مقابل، مردان و زنان منافقی که در صلح حدیبیه، جنگ احد و... کارشکنی می‌کردند، به کفر الهی گرفتار شدند: «و یُعَذِّبُ المنافقین و المنافقات» ادر اینجا هم منافقان به مردان منحصر نشده‌اند و با صراحت از زنان منافق هم یاد شده است. همچنین خدا مردان و زنان مشرکی که

صلح حدیبیه از آن جهت مهم است که سرآغاز فتح مکه و پیروزی‌های مهم پس از آن بوده است، علاوه بر آنکه تا آن روز مشرکان تنها به نابودی مسلمانان می‌اندیشیدند و برای آنان جایگاهی قائل نبودند، اما با پذیرش صلح، در حقیقت مسلمانان را پذیرفتند، که این پیروزی بزرگی در صحنه سیاسی- اجتماعی بود.

ایمان نیاوردند و ضد اسلام توطئه کردند و به خدا بدگمان بودند را کفر داد: «والمشرکین و المشرکات الظالمین بالله ظُلّ السوء» و فرمود در چرخه ناگواری روزگار اسیر باشند: «علیهم نائرة السوء» و خدای عزیز، خشم، لعنت، کفر دوزخ

صفحه ۱۰

پنجشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۵

۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۶۱

۴- غنایم بسیار: «لقد رضی الله عن المؤمنین اذ یبايعونک تحت الشجرة قلیلاً ما فی قلوبهم قَاتِلْ السَّکِیْنَةَ عَلَیْهِمْ وَاَنْتَ لَمْ یَقْرِبْهُ» و منافع کثیره یآخذونها» که البته خشنودی خدا از همه برتر است: «و رضوان من الله اکبر»

– خدای سبحان در آیه پایانی سوره فتح، پیامبر اکرم «ص» و همراهان او را، کسانی که با او معیت دارند، می‌ستاید و به اقتضای ضرورت و برای زوددن هر شبهه‌ای، با تصریح به نام آن حضرت می‌فرماید: محمد «ص» فرستاده خداست؛ اما و همراهانش بر کافران سخت‌گیر و با یکدیگر مهربانند؛ آنان خشم خود را نسبت به بیگانه‌گان به کار می‌گیرند تا آن بیگانه‌گان صلاشتشان را دریابند. همچنین همواره در رکوع و سجودند و نماز را برپا می‌دارند و در زندگی دنیا در پی دستیابی به پاداشی از سوی خدایند و خشنودی او را می‌جویند. نشانه خشوعشان هم در رخسارشان نمایان است و با سیماي خاشعانه شناخته می‌شوند، توصیفاتى که در تورات و انجیل هم درباره آنان آمده است.

– دشمن را ساده و ناتوان فرض نکنید: «اولی بأس شدید» (قرآنتی)

– مسلمانان باید از نظر قدرت نظامی در حدی باشند که دشمن روزمند را به تسلیم وادار کنند: «تقاتلونهم او یُسَلِّمون» (قرآنتی)

– مسلمانان همه خشم خود را در مورد بیگانه‌گان مهاجم به کار می‌گیرند و در مقابل یکدیگر، خشم‌زدایی می‌کنند. باید با بدی مبارزه کرد، نه با مسلمان بد؛ با مخالف درگیر شدن هنر نیست، بلکه با مخالفت مبارزه کردن و برداشتن بدی هنر است؛ باید اختلاف و تنازع را برداشت، نه مخالف و منازع را! مردان الهی، بدی را با نیکی می‌زایند: «و یدفون بالחסنة السيئة» و رفتار بد را با نیکوترین روش دفع می‌کنند: «ادفع بالتي هی احسن السيئة».

– در آخرین آیه، خداوند دو شرط اساسی برای مغفرت مؤمنان ذکر کرده است: «وعنده الله الدین آمنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرة و اجرا عظیماً» یعنی ایمان قلبی و عمل صالح. تنها در این صورت است که مغفرت الهی شامل آنان می‌شود و البته در جای دیگر وعده دیگری هم داده است: آن‌ها را در زمین به پیشوایی و جانشینی می‌رساند: «وعنده الله الدین آمنوا و عملوا الصالحات لَنُنَصِّلَهُنَّ فِی الْاَرْضِ».

– سه گروه هم از آموزش و پاداش الهی محرومند: ۱- منافقانی که اصلاً ایمان ندارند و نفاق خود را از دیگران پنهان می‌دارند، ۲- همراهانی که در آغاز ایمان آوردند، ولی بعد مشرک و کافر شدند و ۳- یارانی که واقعاً ایمان آوردند و به کفر و شرک هم برگشتند، ولی کار نیک هم نکردند.

ایمان درجه‌بندی دارد؛ مؤمنان می‌توانند با اموری چون تلاوت قرآن و آیات الهی و اعمال صالح ایمانشان را زیاد و یا با گناهان آن را کم و کمتر کنند.

– قرآن بارها فرموده است همراه سختی، آسانی است: «فان العسر یُسرا»، «سیعجل الله بعد عسر یُسرا»، «فَسَنَیَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى» سال‌های اول بعثت که همراه انواع تهمت‌ها، شکنجه‌ها و توطئه‌ها بود و سال‌های اول هجرت که جنگ‌ها، کشته‌ها و مجروحان زیادی به همراه داشت، سال‌های سخت و طاقت‌فرسای بود، اما سال‌های بعد، آسایش و پیروزی و عزت بود، چنان‌که این سوره به آن‌ها اشاره کرده است: «فتحا قریباً»، «یُنْضَرک الله نصراً عزیزاً»، «اَنْتَ لَمْ یَقْرِبْهُ» (قرآنتی)

– مسلمانان ضعیف به چنان عزتی رسیدند که دشمنان، تاب درگیری را آنان را نداشتند: «وَلَوْ قَاتَلْتُمُکُمْ، لَوَلَّوْا» (قرآنتی)

خداوند در سال دوم هجری که قبله تغییر کرد و سال ششم که صلح حدیبیه به وقوع پیوست و سال هشتم که مکه فتح شد، وعده تمام کردن نعمت را در آینده داد و فرمود: «يَنْتَهِ نِعْمَتُهُ» اما آن وعده‌ها را در حجاز!وداع جامه عمل پوشاند و با نصب حضرت علی «ع» به امامت، نعمت را تمام کرد و فرمود: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی.» (قرآنتی)

– لایمه ایمان، حمایت و حراست از حریم دین و محبت رسول خداست: «مَنْزُورُهُ» (قرآنتی) – باری و حراست از پیامبر، باید همراه تعظیم و تکریم و وقار و برخاسته از عشق و معرفت باشد: «مَنْزُورُهُ» و قالب مضارع نشان از دام و استمرار است و باید به‌صورت یک تهدید و جریان همیشگی باشد، نه موقت و موسمی. (قرآنتی)

– خدای سبحان به مؤمنان بیعت‌کننده با پیامبر اکرم در حدیبیه، چهار پاداش بزرگ داد: ۱- رضا و خشنودی، ۲- آرامش، ۳- پیروزی نزدیک و

استفتاء از رهبر شهید انقلاب اسلامی عمل به وصیت

س) پسدی به فرزندان وصیت کرده که خانه‌ای کسه از او باقی می‌ماند، تا وقتی مادر تان زنده است، در آن زندگی کند. نحوه محاسبه ارزش این وصیت برای اخراج از ثلث چگونه است؟

ج) ابتدا خانه در حالت آزاد از وصیت (یعنی مورد وصیت نباشد) قیمت‌گذاری شود، سپس در حالتی که سکونت در آن مورد وصیت است و در صورت فروش، تا زمان فوت مادر برای خریدار قابل سکونت نیست، قیمت‌گذاری شود؛ تفاوت دو قیمت، متعلق وصیت است و از ثلث حساب می‌شود.

خرید و فروش امتیاز بازی

س) اینجانب در یک بازی مجازی فعالیت می‌کنم. فعالیت بنده شامل صرف وقت، یادگیری مهارت‌های پیچیده در محیط بازی و تلاش مداوم برای کسب امتیاز است. پس از کسب امتیاز، آن‌ها را در بازارهای ثانویه به بازیکنان می‌فروشم و درآمد کسب می‌کنم؛ آیا این درآمد از نظر شرعی حلال است؟

ج) اگر امتیازهای قابل فروش، از بازنده به برنده منتقل می‌شود، قمار و حرام است و فروش آن هم جایز نیست، در غیر این صورت، به‌خودی‌خود اشکال ندارد.

مسافر کشی با ماشین امانتی بدون اطلاع صاحب ماشین

س) فردی ماشین یکی از اقوام را برای یک بار رفت‌وآمد به جایی از او می‌گیرد. در میان راه، چند مسافر سوار می‌کند که مسیر مسافران هم با مسیر او یکی بوده است. پس از دریافت کرایه از مسافران (بدون اینکه این مطلب را به صاحب ماشین اطلاع دهد)، نیمی از کرایه را در کنسول صاحب ماشین قرار می‌دهد و نیمی دیگر را خودش برمی‌دارد؛ آیا این پول حلال است؟ آیا نیاز هست که صاحب ماشین مطلع شود؟

ج) به صاحب ماشین اطلاع دهد و رضایت صاحب ماشین را کسب کند.

نگاهی به زنان داشته باشد.

کوتاه‌سخن اینکه، خداوند بدن زن را محترم دانسته و بر این اساس، از سویی، حجاب را بر مسلمان احترام دارد و هم او خودش باید این حرمت را حفظ کند و مانع از نگاه دیگران به این بدن بشود و هم مرد مسلمان باید حرمت بدن زن مسلمان را حفظ کند و به آن نگاه نکند، اما زن غیرمسلمان چون خودش حرمت بدن خودش را حفظ نمی‌کند و این حدود شرعی را مراعات نمی‌کند، مرد مسلمان نیز فقط به همان اندازه‌ای باید حرمت بدن او را حفظ کند که خود آن زن غیرمسلمان حفظ می‌کند. از این رو، نگاه به زن غیرمسلمان نیز تابع حدود خاصی است و اگر زن غیرمسلمانی فقط مو و گردن خود را نمی‌پوشاند در سایر نقاط بدن خود می‌پوشاند، بر مرد مسلمان لازم است حرمت بدن زن غیرمسلمان را نیز حفظ کرده و به‌غیر از مو و گردن او نگاه ننندارد. (که البته این نگاه نیز باید بدون لذت باشد) ^(۱) همان‌طور که گفته شد، اگر نگاه مرد به زن (مسلمان و غیرمسلمان) همراه با لذت باشد، در همه صورت، حرام است و مرد حق ندارد چنین

پی‌نوشت‌ها:

- سوره نور، آیه ۳۰.
- حسینی، سید مجتبی، رساله دانشجویی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰ ش، احکام نگاه، ص ۳۳.
- همان، برای مطالعه بیشتر، رک: ایثاله خاتمه‌ای، سید علی، احکام پوشش و نگاه کردن، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیتالله سید علی خامنه‌ای، مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۴، لینک: https://farsi.khamehni.ir/news-content?id=۲۷۸۴۷